

منعت معدن تجارت	
	
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه <i>منعت معدن تجارت</i> www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منعت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ – ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶	
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی – ۱۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی – کوچه آزادگان شماره ۲۶ – کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۲۸۱۱	
روابط عمومی: smtnews.ir pr	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	



تورمی که در سید کالایی کارگران در زمان مذاکرات مزدی پیش‌بینی شده بود، اکنون با واقعیت‌های اقتصادی قابل مقایسه نیست. به‌ویژه در ماه‌های اخیر، کنترل قیمت‌ها از دست خارج و بازار به حال خود رها شده است؛ در این شرایط هر کس هر اقدامی که می‌خواهد انجام می‌دهد، به‌ویژه در زمینه لبنیات و اقلام حیاتی سفره کارگران.

آنچه شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهند

بیش از صد درصدی بهای محصولات لبنی، مستندترین گواه بر این گسست اقتصادی است. این نرخ، از مقایسه نرخ شیر پرچرب یک لیتری در ابتدای سال (حدود ۳۰ هزار تومان و یا کمی بیشتر) با نرخ حیرت‌آور ۸۵۸۰۰ تومانی آن در هفته دوم آذرماه به‌دست آمده است. این جهش قیمتی در حالی بر خانوار کارگری تحمیل می‌شود که حداقل حقوق پایه کارگران تنها ۴۵ درصد افزایش یافته است.

بنا بر گزارش‌های مرکز آمار، تورم نه‌تنها مهار نشده، بلکه به شکلی ناعادلانه توزیع شده است؛ نرخ تورم سالانه دهک اول (۴۱.۷ درصد)، به‌شکل مستند بالاتر از دهک دهم (۳۹.۵ درصد) ثبت شده است. این شکاف ۲.۲ واحد درصدی، به‌وضوح سهم بالای خوراک‌ی‌ها را (با تورم نقطه‌به‌نقطه ۶۶.۲ درصدی و ۱۰۰.۲ درصدی نان و غلات) در سبد معیشت کارگران نشان می‌دهد.

شو ک‌های بی‌قاعده آذرماه

واقعیت نشان می‌دهد که کنترل قیمت‌ها از دست متولیان خارج شده است.

وی نمونه‌ای از بی‌نظمی در بازار لبنیات را نیز بیان کرد: «قیمت دوغی که پیش‌تر ۵۲ هزار تومان بود، در دو سه هفته اخیر به ۷۳ هزار تومان رسیده است. فروشنده در پاسخ اعتراضات می‌گوید: «به خدا قسم من کاره‌ای نیستیم؛ ما نیز هر روز فاکتورها را تغییر می‌دهیم و گرفتار هستیم.» این نشان می‌دهد که قیمت‌ها به‌طور مداوم در حال نوسان است.

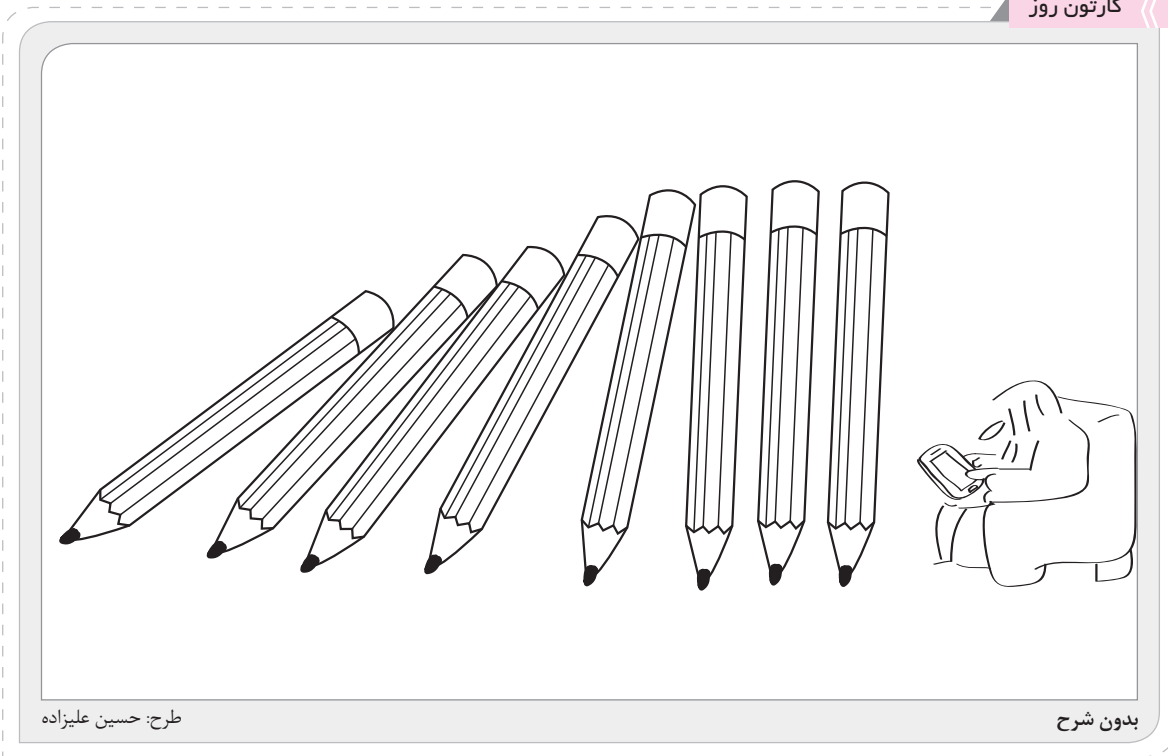
دبیر شورای اسلامی کار استان البرز در ادامه به ناتوانی دستمزدها در مقابله با هزینه‌های زندگی اشاره کرد: حقوق دریافتی یک کارگر، شامل پایه حقوق ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بن خواربار، ۹۰۰ هزار تومان حق مسکن و ۵۰۰ هزار تومان حق تأهل است و با اضافه‌کاری نهایتاً به ۲۰ میلیون تومان می‌رسد. با تورم فعلی، حقوق یک کارگر تنها ده روز زندگی معمولی او را تأمین می‌کند. باید از مسئولان پرسید که این کارگر برای ۲۰ روز بقایمانده چگونه زندگی خواهد کرد.

اصلاتی گفت: در مورد دستمزد، انصافاً امسال وزیر و رئیس‌جمهور در شورای‌عالی کار بسیار کمک کردند و دستمزد خوبی نسبت به سال‌های گذشته به کارگران اختصاص یافت اما متأسفانه کنترل تورم عملی نشد و آن شیرینی افزایش دستمزد که در اسفندماه، جامعه کارگری را خوشحال کرده بود، از خردآدمه‌ها به این سو تلخ شد.

وی در نهایت به پیامدهای اجتماعی گرانی‌ها اشاره کرد: «آثار این شرایط اقتصادی، مسائل اجتماعی خود را ۱۰ تا ۱۵ سال آینده نشان خواهد داد. مرکز پژوهش‌ها اعلام کرده که ۱۳ میلیون دختر و پسر بالای ۳۵ سال مجرد داریم و ۱۲ درصد جمعیت بازنشسته است که ظرف ۲۰ سال آینده به ۳۵ درصد می‌رسد. جوانی که قادر به ازدواج نیست، می‌گوید، با شانزده میلیون تومان تنها می‌توانم تا پانزده روز هزینه زندگی خود را تأمین کنم. آیا پولی برای خرید شیر فرزندم خواهم داشت؟ وضعیت اقتصادی موجود دلیل اصلی این مشکلات اجتماعی است.

سخن پایانی

ناهمخوانی فاحش میان رشد بیش از صد درصدی بهای لبنیات و ۴۵ درصدی دستمزد کارگران، سندی از فرسایش بی‌وقفه قدرت خرید قشر کارگر در اواسط آذرماه ۱۴۰۴ است. فشار تورم بر دهک‌های کم‌درآمد، نه‌تنها معیشت را، بلکه سلامت نسل آینده و بنیان‌های اجتماعی کشور را هدف قرار داده است و تا زمانی که تورم اقلام حیاتی مهار نشود، عواقب پرهزینه و ساختاری آن در جامعه ادامه خواهد داشت.



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

دریچه

مصیبت استانداردهای کاغذی

در حالی که تعداد روزهای ناسالم در تهران و سایر کلانشهرها رو به افزایش است، عملکرد سازمان ملی استاندارد ایران در نظارت بر آلایندگی خودروها دوباره به کانون توجه رسیده است. به گزارش مهر، با افزایش غلظت آلاینده‌ها و تداوم وضعیت اضطرار در کلانشهرهایی مانند تهران، اصفهان و کرج، نگاه‌ها بار دیگر متوجه سازمان ملی استاندارد ایران شده است؛ دستگاهی که مطابق قانون، موظف به تدوین، ابلاغ و نظارت بر اجرای حدود مجاز آلایندگی خودروها و صنایع وابسته است. با این حال، تکرار وضعیت ناسالم هوا این پرسش را تقویت کرده که استانداردها تا چه اندازه در خطوط تولید، حمل‌ونقل و شبکه سوخت کشور عملیاتی می‌شوند.

آزمون‌هایی که فقط روی کاغذ معنا دارند

بر اساس مقررات، هر خودرو پیش از ورود به بازار باید چرخه کامل آزمون‌های آلایندگی را طی کند؛ از تست‌های شهری و برون‌شهری گرفته تا اندازه‌گیری انتشار هیدروکربن‌ها، اکسید نیتروژن و ذرات معلق. این آزمون‌ها در ظاهر انجام می‌شوند، اما به گفته کارشناسان، اجرای آنها عموماً به نمونه‌برداری محدود است و نظارت رصدی و تصادفی در خطوط تولید به‌ندرت رخ می‌دهد.

نتیجه آن است که خودروهایی که در آزمون اولیه موفق به دریافت گواهی می‌شوند، در تولید انبوه ممکن است کیفیت متفاوتی از همان نمونه اولیه داشته باشند. اختلافی که در عمل روی خروجی آلاینده‌ها اثر می‌گذارد، اما در نظام ارزیابی رسمی کشور بازتابی ندارد.

یور و ۵ در سطح گواهی، نه در جاده‌ها

یکی از نمونه‌های ملموس این ضعف، وضعیت خودروهای داخلی با استانداردها ادعایی یور و ۵ است. طبق گزارش‌های غیررسمی از واحدهای قطعه‌سازی و سازمان حفاظت محیط زیست، برخی از این خودروها در زمان اخذ تأییدیه‌ها شرایط مطلوبی داشتند، اما در ادامه با استفاده از قطعات کم‌کیفیت‌تر یا حذف برخی سامانه‌های گران‌قیمت کنترل آلایندگی، از سطح استاندارد فاصله گرفتند.

با وجود این اختلاف فنی، سازمان ملی استاندارد تاکنون گزارش شفاف و رسمی درباره میزان انحراف، تعداد خودروهای مغایر یا نحوه برخورد با تخلفات منتشر نکرده است. این سکوت، از دید تحلیلگران، یکی از نشانه‌های ضعف شفافیت در نهاد ناظر تلقی می‌شود.

سوخت متغیر، استانداردهای متزلزل

عامل دیگر در افزایش آلایندگی، کیفیت نوسانی سوخت است. تولید بنزین غیر همسان با استاندارد یورو در برخی پالایشگاه‌ها باعث می‌شود رانندگان سامانه‌های کنترل دود در خودروهای جدید افت کنند. در چنین وضعی، انتظار می‌رود سازمان ملی استاندارد نقش هماهنگ‌کننده میان تولیدکنندگان سوخت و خودروسازان را ایفا کند و گزارش‌های فنی منتشر سازد؛ اما عملکرد آن عمدتاً به اطلاعیه‌های عمومی درباره «لزوم همکاری بین نهاده‌ها» محدود مانده است.

شفافیت کمشده برحران آلودگی

در دوره‌هایی که شاخص آلودگی از مرز اضطرار عبور می‌کند، افکار عمومی انتظار دارد نهاد ناظر آمار روشنی از نتایج پایش آلایندگی خودروهای نو یا وضعیت واقعی اجرای استانداردها ارائه دهد. با این حال، اطلاعیه‌های منتشرشده از سوی سازمان ملی استاندارد غالباً فاقد داده‌های عملیاتی است و به جملات کلی درباره اجرای ضوابط و تشدید نظارت بسنده می‌کند.

کارشناس معتقدند؛ احتیاط این سازمان در برابر خودروسازان بزرگ و همچنین نبود الزام قانونی برای انتشار عمومی نتایج آزمون‌ها، باعث شده نظارت‌ها بیشتر شکلی و اداری باشد تا میدانی و مستمر. به همین دلیل، فاصله عمیقی میان آنچه «در آئین‌نامه‌ها نوشته می‌شود» و آنچه «در خیابان‌ها نفس می‌کشیم» باقی مانده است.

در بسیاری از کشورها، خودرو حتی پس از فروش نیز به‌طور تصادفی از سطح شهر جمع‌آوری و آزمون می‌شود تا پایداری عملکرد زیست‌محیطی آن در شرایط واقعی کارکرد سنجیده شود. در ایران نه‌تنها این مکانیزم رصد میدانی وجود ندارد، بلکه حتی گزارش‌های محدود حاصل از تست‌های داخلی نیز منتشر نمی‌شود. نتیجه آن، شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی نسبت به سازکار استانداردسازی است.

در مجموع، می‌توان گفت که نظام استاندارد آلایندگی در کشور بیش از آنکه به ابزار بازدارنده برای کاهش آلودگی هوا تبدیل شود، به سازکاری رسمی و کم‌اثر بدل شده است. تا زمانی که شفافیت داده‌ها، استقلال نظارتی و الزام به پاسخ‌گویی در برابر افکار عمومی تقویت نشود، استانداردها همچنان روی کاغذ خواهند ماند و هوای کلانشهرها، مانند همیشه، قربانی دور باطل میان قانون، صنعت و ملاحظه‌های اقتصادی خواهد بود.

خریداران، بهای ترس را می‌پردازند

در روزهای اخیر بازار ارز و طلا وارد فاز نوسانی تازه‌ای شده است؛ جهش نرخ دلار و سسکه در حالی رقم خورد که شاخص‌های واقعی اقتصاد تغییر معناداری را تجربه نکرده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد جهش اخیر بیش از آن که ریشه در واقعیت‌های اقتصادی داشته باشد، نتیجه تلاقی سه عامل است: اثر روانی افزایش جهانی طلا، تقاضای فصلی در آستانه سال میلادی و شایعات بی‌پایه درباره تصمیم‌های اقتصادی.

به گفته امیررضا اعطاسی، کارشناس اقتصادی، آنچه امروز در بازار ارز می‌بینیم، یک موج هیجانی است نه تغییر ساختاری. بازارساز توان کنترل شرایط را دارد و با شفاف‌تر شدن فضا، این هیجان فروکش می‌کند.» او تأکید می‌کند رشد قیمت‌ها ناشی از ترس از آینده است نه تغییر اقتصاد امروز.

بازار فصلی و موج زودگذر تقاضا

افزایش نرخ ارز در اواخر آذر موضوع تازه‌ای نیست. هر سال با نزدیک شدن به پایان سال میلادی، فشار تقاضا برای ارز شدت می‌گیرد. واردکنندگان به دنبال تسویه‌حساب‌های تجاری‌اند و صادرکنندگان نیز معمولاً بازگشت ارز خود را به تأخیر می‌اندازند. این چرخه تقویمی موجب برتری موقت تقاضا بر عرضه می‌شود.

به گفته اعطاسی، این موج هر سال تکرار می‌شود و عمری کوتاه دارد: در دی‌ماه، شرکت‌ها برای تسویه حساب با شرکای خارجی به ارز بیشتری نیاز دارند. این احتیاج در بازه‌ای دو تا سه‌هفته‌ای به اوج می‌رسد و سپس فروکش می‌کند. اشتباه برخی فعالان آن است که این جهش فصلی را روند دائمی تلقی می‌کنند.

در همین حال، نوسان‌گیران با بزرگ‌نمایی این فشار تقاضا، انتظارات تورمی را در سطح جامعه تقویت می‌کنند. همین انتظارات، عاملی روانی و خودتقویت‌شونده می‌شود؛ افراد از ترس افزایش نرخ، خرید می‌کنند و همین خریدها دوباره نرخ را بالا می‌برد.

با این حال تجربه سال‌های گذشته نشان داده که با پایان یافتن تسویه‌های تجاری و بازگشت آرام تقاضا به روال معمول، بازار در فاصله کوتاهی اصلاح می‌شود. در واقع، منحنی نوسان معمولاً همان‌قدر که سریع بالا می‌رود، سریع هم پایین می‌آید.

سینکال‌های کاذب و اقتصاد رسانه‌ای

در کنار تقاضای فصلی، موجی از شایعات و تحلیل‌های نادرست نیز در روزهای اخیر جو بازار را ملتهب کرده است. برخی کانال‌های غیررسمی با انتشار خبرهای درباره «نخ سوم بنزین» یا «حذف ارز ترجیحی» فضای یأس و ترس ایجاد کردند. اعطاسی می‌گوید: بازار دچار بیش‌واکنش شده است؛ حتی نسبت به خبرهایی که منبع مشخصی ندارند. این شایعات سوخت موتور انتظارات تورمی شده‌اند.

به گفته او، هیچ‌ک از این سناریوها فعلاً مبنای اجرایی ندارد و مقام‌های اقتصادی کشور نیز اجرای شوک‌های قیمتی را رد کرده‌اند. اعطاسی هشدار می‌دهد که چنین فضایی زمینه سواس‌تفاده سوداگران را فراهم می‌کند و مردم عادی بازندگان اصلی هستند. در بهمن سال گذشته دیدیم که در جریان درگیری ۱۲ روزه در منطقه، تنها به دلیل شایعات جنگ، نرخ ارز به بالای ۱۰۰ هزار تومان پرتاب شد، ولی با فروکش تنش‌ها، به‌سرعت به کانال ۸۰ بازگشت. خریداران آن مقطع بیشترین ضرر را کردند.

به بیان دیگر، ترس از آینده همیشه گران‌تر از واقعیت است. بازار ارز ایران در طول سال‌های اخیر بارها نشان داده که جهش‌های سیاسی یا روانی، پایدار نمی‌مانند و طی چند هفته تا چند ماه، با اثرگذاری سیاست‌های بانک مرکزی، تعادل دوباره برمی‌گردد.

قدرت بازارساز و ابزارهای کنترل نوسان

احتمال مداخله بانک مرکزی در این شرایط بیش از همیشه است. کارشناسان معتقدند که بانک مرکزی از منظر ذخایر طلای فیزیکی و منابع ارزی، در موقعیتی قوی‌تر نسبت به گذشته قرار دارد. اعطاسی بااشاره به آمار رسمی گفت: تنها در سال گذشته بیش از ۱۰۰ تن طلا وارد کشور شده است. این حجم از ذخایر به بانک مرکزی امکان می‌دهد در لحظه مناسب با مداخله قیمتی یا روانی، نوسان‌ها را بشکند. تجربه مداخله‌های موفق در بهار امسال نیز نشان می‌دهد که هر زمان بازارساز با انضباط و ارتباط مؤثر وارد عمل شده، نوسان‌ها مهار شده‌اند. در مقابل، هر بار که اطلاع‌رسانی به تأخیر افتاده، فضا برای شایعه باز شده و نرخ‌ها بی‌دلیل جهش کرده‌اند.

از نگاه کارشناسان، کلید کنترل نوسانات فعلی نه‌فقط در عرضه و توزیع ارز، که در احیای اعتماد عمومی به ثبات اقتصاد نهفته است. اگر سیاست‌گذار بتواند به سرمایه‌گذار و مردم اطمینان دهد که شوک ارزی در کار نخواهد بود، بخش بزرگی از انتظارات تورمی خودبه‌خود فروکش می‌کند.

حباب طلا و سکه، شاخصی از ترس عمومی

بازار سسکه نیز هم‌زمان با نوسان ارز در مسیر صعودی قرار گرفت، اما بررسی داده‌ها نشان می‌دهد بیش از نیمی از این افزایش، ناشی از رشد «حباب قیمتی» است.

بر اساس محاسبات کارشناسان، فاصله نرخ بازار با ارزش ذاتی سکه به حدود دو میلیون تومان رسیده است؛ فاصله‌ای که به‌روشنی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران نه برای ارزش ذاتی، بلکه برای اطمینان روانی خرید می‌کنند.

اعطاسی در این باره می‌گوید: وقتی از حباب سکه صحبت می‌کنیم، یعنی بازار از واقعیت اقتصادی جدا شده است. این وضعیت پایدار نمی‌ماند. کافی است نرخ ارز یا اونس جهانی اندکی اصلاح کند، حباب به‌سرعت تخلیه می‌شود و خریداران هیجانی متضرر خواهند شد.

به گفته او، خریداران امروز عملاً هزینه ترس خود را می‌پردازند. بازار در چنین موقعیت‌های معمولاً مسیر بازگشت دارد چون دلایل بنیادی جهش ضعیف است و رکود معاملات جای تب‌وتاب هیجانی را می‌گیرد.

چشم‌انداز کوتاه‌مدت؛ عبور از موج هیجان

برآیند اظهارنظر کارشناسان و داده‌های میدانی نشان می‌دهد که موج فعلی افزایش نرخ ارز، طولانی نخواهد بود. به محض فروکش فشار تقاضای فصلی و روشن‌تر شدن مسیر سیاست‌های پولی، احتمال بازگشت نرخ‌ها به سطوح پیشین زیاد است.

اکنون، شاخص‌های کلان از جمله درآمد‌های نفتی، نسبت تسویه بدهی‌های خارجی و سطح ذخایر طلای بانک مرکزی، در وضعیتی باثبات و حتی بهتر از مدت مشابه سال قبل قرار دارند. این شرایط حمایت لازم را برای مداخله هدفمند بازارساز فراهم کرده است.

از سوی دیگر، چنان‌که اعطاسی تأکید دارد، «اقتصاد از ابهام بیزار است». هر قدر پیام‌های شفاف‌تری از سیاست‌گذار منتشر شود، از دامنه هیجانات و تصمیم‌های احساسی کاسته خواهد شد.

در نهایت، می‌توان گفت افزایش اخیر نرخ ارز بیشتر حاصل ادراک است تا واقعیت، بیشتر زاییده هیجان است تا شاخص اقتصادی. بازار این بار نیز مانند دفعات قبلی، پس از فروکش التهاب روانی و ورود بازارساز، به مسیر تعادلی بازخواهد گشت.

به تعبیر اعطاسی، همان‌طور که شوک‌های روانی باعث جهش می‌شوند، یک خبر مثبت یا اقدام قاطع بانک مرکزی می‌تواند موجب ریزش سریع قیمت‌ها شود.